

برازجان

نوشتہ

وہلم فلور

ترجمہ، توضیحات و تعلیقات: دکتر عبدالرسول خیراندیش

بیات علمی دانشگاہ شیراز

۱۳۸۸

سرشناسه	: خیراندیش، عبدالرسول، ۱۳۴۶-
عنوان و نام پدیدآور	: برازجان / نوشته ویلم فلور، ترجمه، توضیحات و تعلیقات عبدالرسول خیراندیش.
مشخصات نشر	: تهران، آدابوم، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: اس، [۱۰۳] ص.
شابک	: ۲۵۰۰۰ ریال: 9-91324-0-978-600
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر بر اساس مقاله Borzjan تألیف ویلم ام. فلور ترجمه و گردآوری شده است.
یادداشت	: کتبهنامه: [۱۰۰] - ۱۰۳.
موضوع	: برازجان
موضوع	: برازجان - تاریخ
شماره افزوده	: فلور، ویلم ام، ۱۹۴۲ - م.
شماره افزوده	:
رده بندی کنگره	: DSR ۲۰۷۵ / ۲، ۹ ۱۳۸۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵۴۴۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۷۳۳۱۱

Flor, Willem M.



انتشارات آباد بوم

بrazجان

تألیف: ویلم فلور

ترجمه، توضیحات و تعلیقات: عبدالرسول خیراندیش

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۵۰۰

حروف نگاری و صفحه آرایی: صدیقه محمدی، عیسی عباسی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتخاب رسانه

بها: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹-۰-۹۱۳۲۴-۰-۹۷۸-۶۰۰

تمامی حقوق محفوظ و متعلق به نشر آبادبوم است

نشر آبادبوم: تهران، بلوار کشاورز، بین خ. کارگر و جمالزاده، پ. ۳۴۰، واحد ۱۲

تلفن: ۶-۶۶۵۶۴۲۶۵

فهرست مطالب

آ-ت	❖ دیباچه مترجم
ج-س	❖ مقدمه مترجم
۱	❖ مقدمه مؤلف
۷	❖ موقعیت (برازجان)
۱۵	❖ شکل گیری (برازجان)
۲۰	❖ جمعیت (برازجان)
۲۵	❖ اقتصاد (برازجان)
۳۶	❖ حیات فرهنگی و اجتماعی
۳۹	❖ مالیات
۴۱	❖ خاندان حاکمه
۴۳	❖ ساختار اداری
۴۶	❖ نقش سیاسی

۵۹ نتیجه
۶۵ تعلیقات مترجم
۶۵ پشت بندر
۶۶ نام برازجان
۶۶ حدود دشتستان
۶۷ گرشاهی
۶۷ میگ
۶۸ گوری
۶۸ گاوزمین
۶۸ شاهزاده شیراز
۶۹ خط تلگراف
۷۰ بی بانو
۷۰ مالیات اتفاقی
۷۱ میمندی
۷۱ بلوک اربعه
۷۱ زیرکوه
۷۲ ضابط، کلانتر، شیخ، رئیس، خان
۷۲ سرونند
۷۳ آل مذکور
۷۳ کتل باغ تاج
۷۴ کاروانسرای برازجان
۷۴ سالم خان
۷۴ میرزا حسین خان
۷۵ واسموس
۷۵ غضنفرالسلطنه
۷۷ بگ

۷۸	◀ پاپری
۷۸	◀ محمدحسن خان
۷۹	◀ اسماعیل خان شبانکارہ
۸۰	◀ زیراء
۸۰	◀ عیابافی
۸۱	◀ حکومت
۸۱	◀ قتل شیخ عبدالرسول خان
۸۲	◀ دستگاہ فشنگ پرکنی
۸۲	◀ زیارت
۸۲	◀ GM
۸۳	◀ فہرست عام اسامی و اصطلاحات
۹۲	◀ Notes پی نوشتہا
۱۰۰	◀ Bibliography منابع

دیباچه مترجم

در سال ۱۳۷۸ش همراه با دکتر ویلم فلور، ایران‌شناس پراوازه هلندی، سفری از بوشهر به شیراز داشتم. در این سفر بازدیدی نیز از دژ برازجان صورت گرفت که ضمن آن گفت‌وگویی درباره تاریخ برازجان و چگونگی شکل‌گیری آن به میان آمد. دکتر فلور خود پیش از این نیز برازجان را دیده و حتی در آن سال‌ها که جاده برازجان به شیراز خاکی بود و کتل‌های خطرناک داشت، از این مسیر گذشته بود. در پایان گفتگویی که درباره تاریخ برازجان و پیوندهای اقتصادی آن با تاریخ بوشهر داشتیم، اظهار داشتند که در این باره، نوشته‌ای را در برنامه کار خود قرار می‌دهند. ماه‌ها بعد که بار دیگر ویلم فلور به ایران آمد، در شیراز نسخه‌ای از نوشته خود درباره برازجان را که در اصل مقاله‌ای بلند بود به عنوان هدیه به اینجانب دادند. او ضمناً با شمعف و علاقه بسیار درباره این نوشته صحبت کردند چنانکه از سخنان ایشان حس احترام و علاقه به مردم برازجان را احساس کردم. به‌خصوص آنجا که از سابقه بازی فوتبال در برازجان سخن می‌گفت، می‌شد احساس او را دریافت. دکتر ویلم فلور در سال ۱۹۴۲م. در شهر اوترخت هلند به دنیا آمد. او فعالیت‌های علمی خود را درباره ایران متمرکز کرده و بر اساس اسناد و مدارک کمپانی هند شرقی

هلمند کتابهای متعددی درباره دوره صفویه به بعد نوشته است. برای اطلاع از احوال و آثار ایشان به شماره‌های ۱۸، ۲۴، ۲۹ و ۸۵ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا مراجعه نمایید. در شهریورماه ۱۳۸۵ که برای گذراندن تعطیلات در بندر چابهار بودم ترجمه این مقاله بلند انجام گرفت. اما چون احتیاج به فعالیت‌هایی اضافه بر ترجمه داشت و اشتغالات دیگری هم پیش آمد، آماده‌سازی آن برای چاپ به تأخیر افتاد.

مقاله دکتر فلور درباره برازجان، با این مشخصات است:

Dr. Willem Floor, "Borazjan, A Rural Market Town in Bushire's Hinterland, IRAN (The British Institute of Persian Studies), XLII, 2004.

اما چون این نوشته نیازمند افزودن توضیحات و تصحیحاتی بود که انجام شد آن را به صورت یک کتاب درآورده است. جناب آقای هیبت الله مالکی متن ترجمه را دیده و توضیحاتی ارائه فرمودند که از ایشان تشکر می‌نمایم. آقای سروش اتابک‌زاده نیز این ترجمه را در مرحله ویرایش ملاحظه کرده و نکاتی را متذکر شده‌اند. ایشان گزارشی از آن را هم در نشریه اتحاد جنوب منعکس ساخته‌اند، که از ایشان سپاسگزارم. در ویژه‌نامه نوروزی سال ۱۳۸۸ نشریه «اتحاد جنوب» (شماره ۵۳۶) ترجمه‌ای از این مقاله توسط آقای حسن زنگنه به چاپ رسیده و در همان نشریه به شماره ۵۳۸ آقای سروش اتابک‌زاده توضیحاتی در مورد آن به چاپ رسانده‌اند.

مواردی را که احتیاج به توضیح یا تصحیح داشته است در پانویس یا در تعلیقات ذکر کرده‌ام و در صورت لزوم با قید نام مشخص ساخته‌ام.

- مواردی را که برای درک بهتر ترجمه نظر خاصی داشته‌ام با * مشخص کرده‌ام. به تعلیقات مراجعه کنید.

- تمامی زیرنویس‌ها که توضیحات است از مترجم فارسی است.

- واژه‌های فارسی متن که به خط انگلیسی است از نویسنده است که به همان صورت نقل شده است.

- آنچه که در متن در پرانتز آورده شده افزوده‌های مترجم برای روانی متن است.

- تمام مقیاس‌ها و اعداد تاریخ‌های ذکر شده در متن اعم از میلادی یا هجری از مؤلف است.
 - مواردی از متن انگلیسی که احتیاج به تصحیح داشته است را در زیرنویس متذکر شده‌ام.
 - شماره‌های داخل پرانتز در متن، شماره یادداشت‌های مؤلف در «پی-نوشت‌ها» است.
- مقاله برازجان نوشته دکتر ویلم فلور دربردارنده مطالب، منابع و دیدگاه‌های نوین و با اهمیتی است.
- اگر چه ممکن است بعضی از مطالب این نوشته خوشایند طبع همگان نباشد اما نباید غافل بود که تاریخ برای درس گرفتن و ساختن آینده است. امید است این ترجمه در پیشگاه مردم شریف برازجان مقبول واقع شود.

دکتر عبدالرسول خیراندیش

شیراز- بهار ۱۳۸۸

مقدمه مترجم

اثر ویلم فلور دربارهٔ برازجان را می‌توان از معدود نوشته‌های ایران‌شناسان در موضوع تاریخ محلی دانست که شایان توجه است. زیرا تاریخ‌های محلی هرچند کوچک و آسان می‌نمایند اما در واقع پیچیدگی‌های خاص خود را دارند. دلیل این پیچیدگی از یک سو نوع خاص رابطه انسان و محیط جغرافیایی و از سوی دیگر چندلایه شدن مناسبات اجتماعی با هرم قدرت است. با این حال دکتر فلور به دلیل ممارست در تاریخ نواحی جنوبی ایران تا حدود زیادی در این مسیر قرین توفیق بوده‌اند. با این حال در یک نگاه کلی‌تر و حسب تخصص ایشان که تاریخ اقتصادی و اجتماعی معاصر ایران است، این نوشته در اساس و در مباحث نخستین خود صورت تاریخ اقتصادی دارد. اما در ادامه و در پایان صورت تاریخ سیاسی را به خود گرفته است. با این حال دربردارندهٔ منابع و اطلاعاتی است که تاریخ دو قرن اخیر برازجان را در پیوند

با مناطق پیرامونی آن دیده است و بدین ترتیب تصویری روشنگر از موقعیت تاریخی آن به دست می‌دهد.

ترجمه کامل عنوان اثر ویلم فلور چنین است:

«برازجان، شهر بازار (نواحی) روستایی پشت‌بندر (بندر) بوشهر» اما چون این نوشته با افزودن مقدمات و توضیحات و تعلیقات حجمی فراتر از مقالات معمول در زبان فارسی یافت و شکل کتاب به خود گرفت نام بلند آن به صورت «برازجان» مختصر شد. با این وجود لازم به تذکر می‌دانم که در مقام نقد علمی دیدگاه تاریخ اقتصادی نویسنده که بر اساس اقتصاد جهانی قرون معاصر به نظریه‌پردازی درباره تاریخ یک شهر از نواحی داخلی ایران پرداخته است به طور کامل مورد تأیید نگارنده نیست. دلایل این انتقاد علمی در قدم اول مربوط به مفهوم پس‌کرانه (!) hinterland است که در ترجمه و تعلیقات با عنوان «پشت بندر» درباره آن توضیح داده‌ام. اما در قدم دوم این واقعیت است که در ایران به عنوان کشوری وسیع با اقتصادی کشاورزی همواره بندرها به عنوان تابعی از اقتصاد داخلی آن بوده‌اند. در تاریخ ایران همه دولتهای محلی مستقر در بندرها و جزیره‌ها تابع حکومتهای محلی بزرگتر مانند فارس و کرمان یا مطیع دولت مرکزی به شمار می‌آمدند. حتی رشد اقتصادی بندرها نیز تغییری در این معادله به وجود نمی‌آورد. به همین نحو وقتی که عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی مدنظر قرار گیرد، نمی‌توان تاریخ برازجان را فرع بر تاریخ بندری خاص دانست. هرچند پیوندهای همه جانبه تاریخ آنها محل انکار نیست. کمابینه از دوره قاجار که بندر ریگ رو به زوال رفت و از دوره پهلوی که بوشهر دچار انحطاط اقتصادی شد برازجان به دلیل پیوند اقتصادی با شیراز، اصفهان و تهران از یکسو و توسعه پیوندهای اقتصادی بازار آن با تمام

نواحی دشتی و دشتستان، رشد اقتصادی خود را ادامه داد. این نشان می‌دهد که پیوند و تعامل اقتصادی به معنای تبعیت نیست.

نکته دیگر آنکه منابع اروپایی مورد استفاده در این کتاب تلقی خاصی از مسائل سیاسی و امنیتی برازجان و نواحی پیرامون آن و نیز اخلاقی و خصوصیات مردم آن ارائه کرده‌اند که گویای عبور شتاب‌زده مؤلفان آنها از این منطقه است. در همان حال تسلیم‌ناپذیری مردم برازجان در برابر دیگران که ریشه در منش و فرهنگ آنها داشت را به درستی درک نمی‌کردند. برای آنکه تا حدودی بر چنین دیدگاهی پرتوی روشنگر افکنده باشیم باید توجه داشت که مردم برازجان مرکب از یک هسته جمعیت بومی کشاورز هستند که بعدها مهاجرینی از نواحی کوهستانی فارس به آنها پیوسته‌اند. گروه اخیر به صورت مالکان، رؤسا و خاندان حاکمه درآمدند. سپس مهاجرینی از کازرون و پیرامون آن به برازجان آمدند که بیشتر مشاغل بازاری را عهده‌دار شدند. به دلیل رونق برازجان از دوره سالم خان و نیز امنیتی که قبل از آن از دوره شاه منصورخان بوجود آمده بود مهاجرینی از روستاهای اطراف، بوشهر و حتی بحرین هم به برازجان آمدند که اینان در مشاغل خدماتی کشاورزی و بازار وارد گشتند. بدین ترتیب اکثریت جمعیت برازجان در فعالیتهای مولد اقتصادی یا خدمات دادوستد اشتغال داشتند. در نتیجه جامعه‌ای شهری و مبتنی بر صلح و آرامش را دارا بودند. از دلایل پیشرفت برازجان به عنوان یک «شهر بازار» که دکتر فلور هم بر آن تأکید کرده همین امر بوده است. چنانکه در مدت کوتاهی برازجان از نواحی پیرامونی خویش که مبتنی بر مناسبات دودمانی با اقتصاد روستایی بودند متمایز گردید. در این جامعه حتی اقلیت‌های دینی نیز با آرامش زندگی می‌کردند و به فعالیت اقتصادی اشتغال داشتند. جمع کثیری از اهل ادب و شعر

و علوم دینی همراه با مجالس روضه و شاهنامه و کتابخوانی هم در اینجا وجود داشت.

روحیه بردباری و مهمان‌نوازی مردم برازجان و نیز مسؤلیت‌شناسی حاکمان شهر مورد تأیید هم مقامات ایرانی و هم جهانگردان خارجی قرار گرفته است. لذا بزرگ‌نمایی پدیده نزع و خشونت در مورد مردم برازجان به دور از واقعیت است و اغلب نیز در آن دسته از منابع اروپایی دیده می‌شود که توسط مأموران سیاسی و نظامی فراهم آمده‌اند. این امر به دلایل زیر صورت گرفته است:

الف: اروپایی‌ها تحت تأثیر محیط مشکل‌ساز سواحل جنوبی خلیج فارس که دارای جامعه قبیله‌ای بود و دزدی دریایی و شورش در آنجا در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده جریان داشت، دچار این ذهنیت و قضاوت کلی شده‌اند که نواحی شمالی خلیج فارس هم تحت تأثیر جامعه قبیله‌ای (tribalism) است در حالی که چنین نیست. وجود حکومت مرکزی، زندگی شهری، اقتصاد تجاری و مناسبات مدنی دینی به علاوه زمینداری و کشاورزی پر سابقه که در کنار خود بازار دارای صنایع دستی و سازماندهی اصناف را داشت، مانع از آن بود که مناسبات قبیله‌ای اساس جامعه ایرانی قرار گیرد. لذا جامعه ایرانی در نهادهای حقوقی و سیاسی اجتماعی خود در اصل بر اساس «خاک» شکل گرفته بود نه مناسبات نژادی و قبیله‌ای. برازجان نیز به عنوان یک مرکزیت شهری در حال رشد روزبروز این خصوصیات را بیشتر در خود ظاهر می‌ساخت.

ب: حفظ امنیت برازجان به عنوان شهری که در دشت صاف و بدون موانع جغرافیایی در کنار همسایگان خود قرار گرفته بود و در همان حال مهمترین شاهراه تجاری جنوب به شمال کشور از آن می‌گذشت، مسأله‌ای حساس و در

همان حال شکننده بود. در قدم اول امنیت عمومی برازجان بستگی به مناسبات اجتماعی و شرایط اقتصادی و جمعیتی آن داشت که بافت انسانی آن چنین امری را بسترسازی می‌کرد. در قدم دوم در هرم اجتماعی جامعه برازجان و نظام مدیریت آن که در رأس خود رؤسا و خوانین را داشت، بسیار سنت‌گرا و پای‌بند به اخلاق بودند. ناموس‌پرستی و حس حمایت از ضعفا و پذیرش مهاجرین و مسافرین و پای‌بندی به تعهدات در میان آنان حکمفرما بود. کلیه خوانین و رؤسا و کدخدایان مشهور برازجان به این صفات معروف بوده‌اند. همین امر در جذب جمعیت‌های اطراف به برازجان و رشد و رونق آن نقش اساسی داشت. دینداری مردم و حضور سادات و روحانیون نیز بر سلامت و امنیت اخلاقی و حقوقی جامعه می‌افزود.

با همه این احوال برازجان نیز نیاز به نیروی تفنگچی داشت. چنانکه نه تنها در نواحی پیرامون آن بلکه در سراسر ایران چنین بود. اما امکان فراهم آمدن نیروی تفنگچی کافی برای خوانین برازجان وجود نداشت. زیرا در حالی که اکثریت جمعیت به فعالیت اقتصادی (کشاورزی و بازار) مشغول بودند، در اصل خوانین و رؤسا و در کنار آنها تعدادی از طوایف مانند بگ‌ها و قایدان و پاپری و شاه حسینی که بعضی از فعالیت‌های اقتصادی را هم در دست داشتند به فعالیت‌های شبه نظامی می‌پرداختند. بدین جهت در مقایسه جمعیت برازجان با نواحی اطراف، تعداد تفنگچی‌های برازجانی اندک بود و این کمیت اندک صرفاً با بالابردن کیفیت رزمی آنها جبران می‌شد، بدین جهت خوانین برازجان از یک سو قلعه و استحکامات مورد نیاز را تقویت می‌کردند و از سوی دیگر جدیدترین تفنگ‌ها را با دستگاه‌های پرکردن فشنگ تهیه می‌نمودند. امری که منابع اروپایی از آن به عنوان تهدید یا قاچاق نام برده‌اند. بعلاوه حفظ آمادگی و ورزیدگی نظامی ضرورتی حیاتی بود که غفلت از آن

عواقب جبران‌ناپذیری داشت. در محیط اطراف برازجان تحت تأثیر مطامع حکام شیراز و بوشهر و بعدها مداخلات خارجی مدام میان خوانین دالکی، زیره، درواهی، برازجان، شبانکاره، حیات داود، انگالی، تنگستان، چاه‌کوتاه و بوشهر دسته‌بندی و نزاع جریان داشت. گاه دامنه چنین تعارضاتی به قشقای‌های فارس و عرب‌های خوزستان هم توسعه داده می‌شد. در چنین شرایطی هوشیاری، آمادگی و ورزیدگی نقش حیاتی در حفظ موجودیت و نیز پاسداری از منافع اقتصادی داشت. چنانکه در کمتر از سه ساعت خوانین شبانکاره از غفلت خوانین زیره بهره بردند و آنجا را تصرف و تاراج کردند. از این نوع وقایع برای مردمی که در غیاب نهادهای جدید انتظامی و حقوقی می‌بایست خود نگهبان جان و مال و امنیت خود باشند امری طبیعی بود. اما منابع اروپایی که عاجز از درک آن بوده‌اند با تعجب از آن یاد کرده‌اند.

ج: دول اروپایی و به‌خصوص بریتانیا و حتی به مانند آنها دولت مرکزی ایران و تجار بوشهر، شیراز و کازرون در مسیر جاده تجاری بوشهر-تهران یعنی راه شاهی، منافع اقتصادی خاص خود را پی‌گیری می‌کردند. در معادلات اقتصادی مربوط به این مسیر هیچگاه جمعیت بومی ساکن در شهرها و روستاها دیده نمی‌شدند و فقط برای آنان تأمین خدمات مسافری و کاروان‌ها مدنظر قرار می‌گرفت. این در حالی بود که مطابق شرایط ایران قرن نوزدهم، تأمین امنیت راه و نیز پرداخت مالیاتی که بی‌ارتباط با منافع اقتصادی و تجاری این راه نبود از آن‌ها مطالبه می‌شد. هیچگاه چه قبل از مشروطه و چه پس از آن کسی در صدد حل این وضعیت متناقض (paradox) بر نیامد. در نتیجه در حالی که مردمان ساکن در مسیر این شاهراه با قحطی، گرسنگی، بیماری، خشکسالی، خطر دزدان و امثال آن مواجه بودند، از آنان انتظار می‌رفت که حتی به تجارت هم نپردازند. چنانکه فعالیت تجاری خوانین برازجان را هم

مورد اعتراض قرار می‌دادند و این مطالب را در نوشته دکتر فلور بر اساس گزارش‌های مأموران اروپایی می‌توان دید. بر انتظارات فوق باید این امر را نیز افزود که هرچند یکبار مقامی عالی‌رتبه با یک اردوی دولتی در برازجان حضور می‌یافت و تمام مخارج و هدایای آنها نیز بر خان برازجان تحمیل می‌شد. کسانی که فعالیت اقتصادی حاکمان برازجان را محل ایراد دیده‌اند روشن نمی‌سازند که این هزینه‌ها که در کنار آن‌ها مالیات‌های گوناگون هم قرار داشت بایست از کجا تأمین می‌شد. به‌خصوص انگلستان انتظار داشت کالاهای تجاری‌اش به قیمت ارزان از بوشهر به بازار پرمصرف شیراز برسد. لذا همواره حضور خوانین و عوارض راهداری را مشکل‌ساز معرفی می‌کرد. در چنین حالتی توسل به مسایل سیاسی و معضلات امنیتی را هم بدان اضافه می‌کرد و بر پیچیدگی اوضاع می‌افزود. این پیچیدگی وقتی بیشتر می‌شد که مداخله در امور داخلی ایران توأم با اعزام نیروی نظامی می‌شد. در چنین حالتی تعارضات دیپلماتیک با حس وطن‌پرستی عمیقی که در مردم جنوب وجود داشت، آمیزه‌ای شگفت‌انگیز می‌ساخت. برای مردم ساده‌دلی که از پیچیدگی رفتارهای دیپلماتیک به دور و بیگانه بودند، عکس‌العمل مبتنی بر سلحشوری و صراحت که ریشه در سنن پهلوانی ایرانی داشت، تنها سنگری بود که می‌توانستند در پناه آن موجودیت سیاسی، اقتصادی و سرانجام اخلاقی (فرهنگی) خویش را حفظ کنند. برای یک دیپلمات تحصیل کرده اروپایی که شاهد چنین انسانی بود، درک انگیزه‌ها و علل رفتاری او بسیار مشکل و حتی غیرممکن می‌گشت. در همان حال نیز برخلاف مردمان هندی، عرب و آفریقایی به دلیل آزادگی مردم دشتستان موفق به پیروزی بر آنان نمی‌شدند. لذا در توجیه ناکامی خویش این مردمان را خشن، ناسازگار، ستیزه‌جو و نظایر آن معرفی می‌کردند. این در حالی بود که خوانین مناطق ساحلی دوست خود را که رفتاری مبتنی بر قانون‌شکنی،

تجاوزگری و جدال‌های دائمی داشتند با چنین صفاتی بیان نمی‌نمودند. در واقع آنچه که بعضی از مأموران اروپایی با عنوان معضل امنیت در مسیر راه شاهی و نیز خشونت و جدال از آن یاد می‌کنند در واقع بیشتر شرایطی بود که در آن منافع سیاسی و اقتصادی خود را قابل تحقق نمی‌دیدند. این در حالی بود که در محدوده خان‌نشین دشتستان امنیت به طور کامل برقرار بود و همواره نیز تمایلات ملی و میهنی در رفتار مردمان آن دیده می‌شد. امری که بر اساس مندرجات همین کتاب، منابع منصف اروپایی هم بر آن صحه گذاشته‌اند.

عبدالرسول خیراندیش